

دانش فرش‌شناسی اروپا و برخی از نکات آن

سیاوش آزادی

و فرشهاییکه در مجموعه موزه موجود بودند شباهتهای زیادی بچشم میخورد که بنظر وی بسیار جالب بود او در طی پژوهش خود و تطبیق فرشهاییکه در زمان او در اروپا برای فروش عرضه میکردند مشاهده نمود که نقوش آنها با نقوش فرشهای نقاشی شده در روی تابلوها و فرشهای مجموعه موزه تفاوت فراوان دارند و در نتیجه باید فرشهای روی تابلوها و فرشهای مجموعه موزه در زمان دیگری و تحت سلیقه‌های متفاوتی تهیه شده باشند.

از طرف دیگر با آگاهی از زمان تهیه تابلوهای استادان اروپائی باین نتیجه رسید که فرشهای مجموعه موزه که شباهت زیاد با فرشهای تابلوها دارند در همان اوان بافته و تهیه شده‌اند که تابلوها نقاشی شده‌اند و در آن زمان می‌بایستی اینگونه نقوش رواج میداشته است. پرفسور لسینگ تمام نکات ضعیف روش تطبیقی خود را که ممکن بوده مورد انتقاد قرار بگیرد

قریب یکصدسال است که دانش فرش‌شناسی در خارج از ایران رواج یافته، در حقیقت پیشرو این رشته را میتوان پرفسور یولیوس لسینگ^۱ رئیس موزه سلطنتی برلین آلمان نامید^۲. او اولین کتاب علمی را در رشته فرش‌شناسی در سال ۱۸۷۷ میلادی منتشر کرد.

گرچه عده بسیاری از پژوهشگران اروپائی در تحقیق و دست‌یافتن باخبار پیش از او کوشش کرده‌اند ولی چون مأخذ صحیحی نداشتند کارشان مورد قبول دانشمندان عصر خود واقع نشده است. بهترین نمونه این واقعیت کتاب دانشمند معروف پروفیسور یوزف کاراباسک بنام سوزن شیر و یا نقاشی سوزنی ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی است^۳. این کتاب فقط راجع بیک فرش نوشته شده بود. دانشمند فوق با روش تحقیقی زبان‌شناسی کوشش نموده ثابت نماید که فرش مورد مطالعه، در قرن چهاردهم میلادی تهیه شده. و عمل استادان ایرانی است^۴.

روش پژوهش پرفسور لسینگ روش تطبیقی بود و نظر باینکه مسئولیت مجموعه موزه بعهده نامبرده گذارده شده بود و دانشمند مذکور مدتی در راه بدست آوردن اخبار نئی قیمت و قابل اطمینان کوشش کرده بود راه جدید یا مرحله جدیدی را کشف کرد. نامبرده در طی پژوهش خود پی برد که در تابلوهای شمایل^۵ استادان کلاسیک قرن پانزدهم و شانزدهم ایتالیا و کشورهای دیگر اروپائی قالی هم جزو اشیاء تابلو نقاشی شده است. قالیها یا قالیچه‌ها اغلب بصورت رومیزی و یا فرش جلوی محراب کلیساهای مسیحی مورد استفاده بوده‌اند و البته از آنها برای فرش کردن روی زمین هم استفاده میشده است. در اثر تطبیق و مقایسه نقوش قالیهای روی تابلوها

1) Julius Lessing, Altorientalische Teppichmuster nach Bildern und Originalen des XV.-XVI. Jahrhunderts, Berlin 1877.

2) Prof. Dr. Julius Lessing, Direktor der Sammlung des Deutschen Gewerbe-Museums.

3) Joseph Karabacek, Die Persische Nadelmalerei "Susandschird", Leipzig 1881.

۴ - برای اطلاع بیشتر خوانندگان باید اشاره شود که فرش مزبور ابریشمی و با استفاده از الیاف زروسیم یا باصطلاح گلابتون بوده و کار ترکستان شرقی و متعلق بقرن ۱۸ میلادی می‌باشد.

5) Portrait.





شخصاً قبلاً تجزیه و تحلیل کرده و در نظر گرفته بود. این نکات عبارت بودند از:

- ۱ - در اغلب تابلوها تمامی عناصر یک نقش آشکار نبوده و اغلب مشکل قابل کپی برداری بودند.
- ۲ - تفاوت طرز دیدن استادان مختلف و رعایت روش کار هر یک از آنها.
- ۳ - آشنا نبودن بعضی از استادان نقاشی با نقوش مشرق زمین.
- ۴ - آشنا نبودن بعضی از استادان نقاشی با طرز رنگ آمیزی مشرق زمین.

۵ - ترسیم نقوش بطرز مختصر و بدون استفاده از ریزه کاریهای نقوش فرش.

۶ - قربانی کردن رنگهای اصلی فرش ب نفع رنگ آمیزی اصلی تابلو.

۷ - بررسی اصالت خود تابلو و اینکه کپی جدیدی تحت مطالعه قرار نگرفته.

۸ - تغییر رنگهای خود تابلو در اثر تأثیر عوامل نور و هوا و بالنتیجه تغییر رنگ فرش نقاشی شده.

۹ - تهیه استفاده از مدارک زیاد برای بالابردن سطح امکان روش تحقیقی.

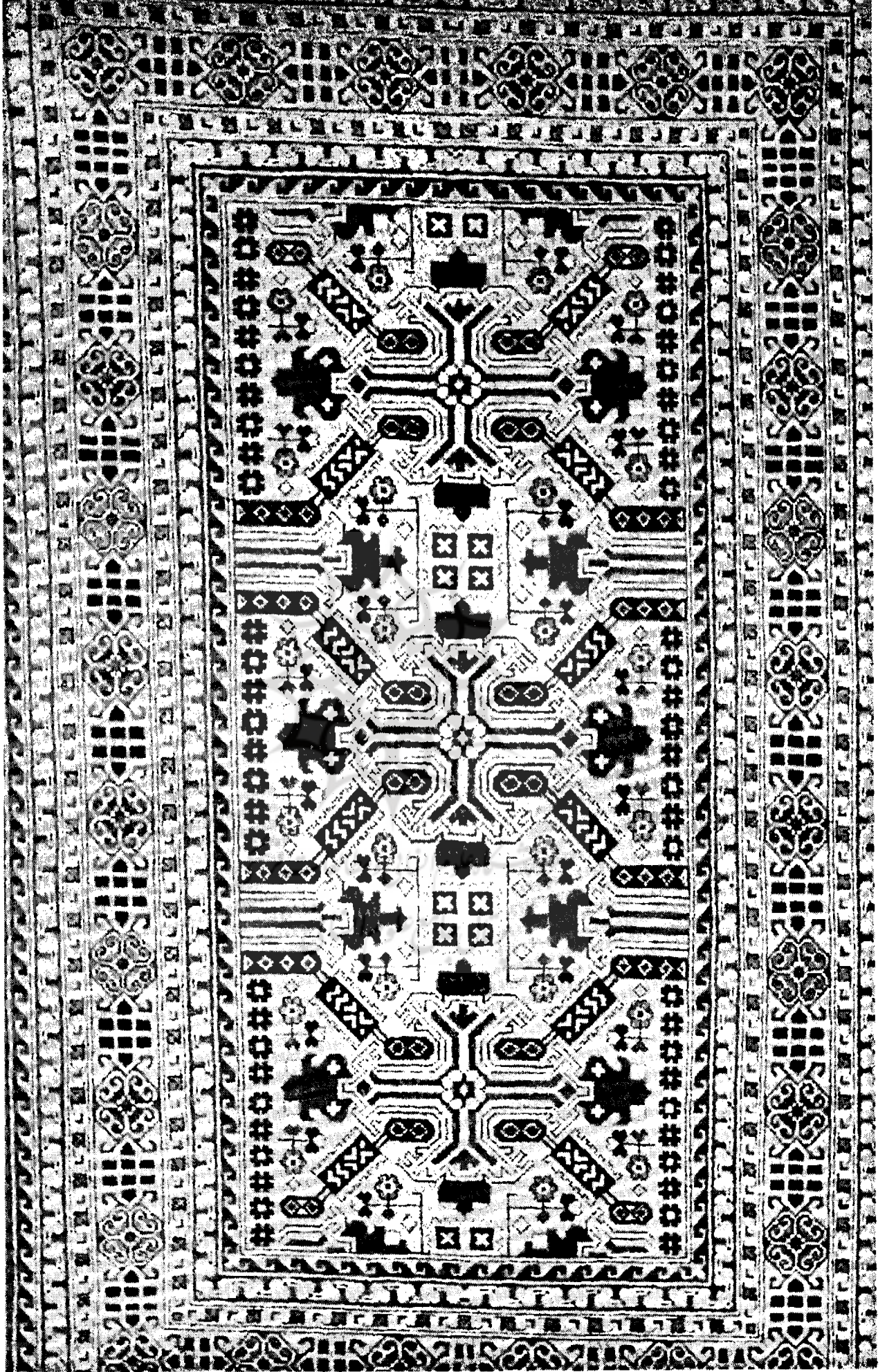
در این تحقیق از تابلوهای زیادی که در موزه ها، کلیساها و مجموعه های درباری و غیره بوده استفاده شده بود. تابلوهای مورد استفاده به استادان مشهور نقاشی و نیز، فلورانس، هلند و فنلاند و غیره که عبارت بودند از فان ایک^۷ - مملینگ^۸ - گیر لاندایو^۹ - ماتتن یا^{۱۰} - هانس هولباين^{۱۱} - کلوئه^{۱۲} - هوگوفان درگوس^{۱۳} - لوکاس کراناخ^{۱۴} - آنتونیو دو مسینا^{۱۵} - جاکو باسانو^{۱۶} - فرانچسکو مورونه^{۱۷} - لو کالونگی^{۱۸} - رافائل^{۱۹} - یان فان راون شتاین^{۲۰} - تینتورتو^{۲۱} - جبرولامو دای لیبری^{۲۲} - پنینو ریچیو^{۲۳} - کارپاچیو^{۲۴} - رافالینو دل گاریو^{۲۵} - آنتونیو بادیله^{۲۶} - کاروفالو^{۲۷} - سوفونیسبه آنگوسلا^{۲۸} - پتر کریستفزن^{۲۹} - یون مایوزه^{۳۰} - پاریس بوردونه^{۳۱} - لورنسو لوتو^{۳۲} - پائولو کیوفینو^{۳۳} و عده ای دیگر از نقاشان مشهور که دیوارها و سقف های کلیساها را تزئین نموده بودند تعلق داشت.

فرشهایی که در تابلوهای استادان فوق نشان داده شده و پرفسور لسینگ استخراج نموده بود همه فرشهایی با نقوش هندسی^{۳۴} بودند که اغلب در زمان اواخر سلاجقه روم در سرزمین آسیای صغیر تهیه شده بودند. بعد از معرفی این روش دانش فرش، دانشمندان دیگر اروپایی بمرور زمان روی تابلوهای هنرمندان دیگر قرن شانزدهم و هفدهم فرشهای صوفی را هم کشف کرده وارد پژوهش خود نمودند که اولین نتیجه علمی قریب بیست و چند سال مطالعه آنان در نمایشگاه

بزرگ موزه وین در سال ۱۸۹۱ میلادی نشان داده شد. در کاتالوک این نمایشگاه دانشمندان معروفی مثل پرفسور فون سکالا^{۳۵} - پرفسور جورج بردوود^{۳۶} - پرفسور آلویز ریگل^{۳۷} دانشمند معروف اطریشی در رشته های تاریخ هنر و استیل نقوش استادان معروف دیگر مقالاتی نوشته اند^{۳۸}.

پرفسور ریگل که تجزیه فنی^{۳۹} (آنالیز) و هنری فرشها را بعهد گرفته بود در همان زمان بقدری کارش دقیق بوده که تا پنجاه سال بعد از او کمتر دانشمندی موفق شد سیستم تجزیه او را تکمیل تر نماید. البته نباید انکار کرد که تجزیه فنی فرش کار دقیق و مشکلی است.

- 6) Prespectiv.
- 7) Johann Van Eyck.
- 8) Hans Memling
- 9) Domenico Ghirlandaja
- 10) Andrea Mantegna.
- 11) Hans Holbein.
- 12) Clonet.
- 13) Hugo van der Goes.
- 14) Lucas Cranach.
- 15) Antonello de Messina.
- 16) Jacopo Bassano.
- 17) Francesco Morone.
- 18) Luca Longhi.
- 19) Raffael.
- 20) Jan van Ravenstein.
- 21) Tintoretto.
- 22) Girolamo dai Libri.
- 23) Pinturicchio.
- 24) Carpaccio.
- 25) Raffaellino del Garbo.
- 26) Antonio Badile.
- 27) Carofalo.
- 28) Sophonisbe Angussola.
- 29) Peter Christophsen.
- 30) Joan Mabuse.
- 31) Paris Bordone.
- 32) Lorenzo Lotto.
- 33) Paolo Giofino.
- 34) Geometric oder geometrisch.
- 35) Prof. Dr. A. von Scala.
- 36) Sir George Birdwood, M.D., K.C.I.E., C.S.L., L.L.E.
- 37) Prof. Dr. Alois Riegl.
- 38) Alois Riegl, Stilfragen, Grundlegungen zu einer Geschichte der Ornamentik, Berlin 1893.
- 39) Structure analyses, Strukturanalyse.





- ۳ - طریق و جهت رسیدن و تاییدن تاروپود و خامه.
 ۴ - تعداد الیاف تاییده برای تاروپود و خامه.
 ۵ - آیا نوع گره، متقارن است یا غیر متقارن؟
 ۶ - آیا سطح فرش، صاف است یا غیر صاف (یعنی خوب قیچی شده یا نه؟).

- در این روش نکات ذیل مورد مطالعه و بررسی قرار
 میگیرند:
 ۱ - آیا جنس تاروپود و پرز فرش از پشم است یا نخ
 یا ابریشم و یا رشته‌ای دیگر؟
 ۲ - آیا تاروپود رنگ شده‌اند یا خیر؟

- ۷ - بلندی پرز فرش در میلیمتر چقدر است؟
 ۸ - بالا و پائین فرش به چه طریقی مهر شده‌اند؟
 ۹ - شیرازه فرش.
 ۱۰ - تعداد و نوع رنگهای فرش.

با قدری دقت در این نکات میتوان مشاهده کرد که چقدر نکات متفاوت در فرش وجود دارد که میتواند مورد استفاده قرار بگیرد. در اینجا خاطر نشان میکنیم که اصطلاح‌های «گره متقارن» و «غیر متقارن» تازه هستند و در کتابهای فرش که از آغاز دانش فرش شیوع پیدا کرده بدون اینکه ریشه و علت آن قابل تعقیب باشد.

تسمیه گره

تسمیه گره فارسی و ترکی که مفهوم ملیتی در درون خود دارد باعث سوء تفاهم و گمراهی بعضی از دانشمندان و دوستداران دانش فرش شده مثلاً فرش شناس انگلیسی Cecil Edwards در کتابش Persian Carpet (London 1953, p. 26) معتقد است نژاد ترک فرشها را با گره متقارن (ترکی) و نژاد فارسی فرشها را با گره غیر متقارن (فارسی) می‌بافد. ادوارد از مفهوم بالعکس این جمله استفاده کرده و گفته است هر فرشی که با گره متقارن (ترکی) بافته شده متعلق به نژاد ترک است. البته در این مقاله نمیتوان اشتباهات «ادوارد» و سایر نویسندگان را مورد بحث قرار داد فقط خاطر نشان میشود که نویسنده برای اولین بار تسمیه گره‌های متقارن و غیر متقارن (Symmetrical and asymmetrical knot) را در کاتالوک نمایش فرشهای ترکمن در موزه مردم شناسی هامبورگ آلمان معرفی نمود.

بکنیم و نکاتی که در اینجا برای پژوهنده دارای اهمیت می‌باشد عبارتند از اینکه در چه تیره فرش بافته شده و دارای چه مشخصاتی میباشد. در چه ناحیه عشایر و تحت چه شرایطی از نظر اقتصادی و اجتماعی و همچنین هنر ملی زندگی می‌کرده‌اند و بالاخره تقریباً در چه زمانی در دست خلاقه بافنده پایان رسیده است. برای بررسی فرش دهقانان لازم است که مکان آن شناخته شود و تاریخ بافت آن معلوم گردد و در ضمن جالب است که تشخیص داده شود که دهقان هنرمند از چه نژادی میباشد. برای فرشهای شهری مسأله قدری مشکل تر است چون در هر شهری جمعیت از نژادهای مختلف تشکیل شده است بعد از آگاهی از زمان بافت اهمیت شناسائی دست کار و نقش استاد یا کارگاه معروف بسیار جالب میباشد و کاملاً صورت تفحص تابلو نقاشی را دارد که فرش در چه زمانی در چه کارگاه بافته شده است.

در خانمه اشاره این نکته ضروری است که چنانکه دیده شد آغاز دانش فرش با تطبیق تابلوهای استادان اروپائی شروع شد. بعد از اینکه دانش فرش رونق بخود گرفت دانشمندان اروپائی طی بررسیهای خود باین نتیجه رسیدند که رنگ آمیزی فرشهای مشرق زمین در ترقی رنگ آمیزی تابلوهای نقاشان ایتالیائی قرن پانزدهم و هلندی قرن هفدهم تأثیر شایانی داشته و نقاشان معروف از رنگ آمیزی فرشهای مشرق زمین الهام گرفته‌اند. برای اثبات این نکته لازم است به کتابهای یکی از بزرگترین دانشمندان فرش شناسی و استادان تاریخ هنر «پروفیسور ویلم فون بده» (Prof Wilhelm von Bode) اشاره کرد⁴⁰.

40) Wilhelm von Bode, Altpersische Knuepfteppe-piche, Studien zur Geschichte der Persischen Knuepfarbeit, Berlin 1904, page 2 Wilhelm von Bode/Ernst Kuehnel, Voderasiatische Knuepfteppe-piche aus Alter Zeit, Braunschweig 1955, page 12.

در فرش شناسی هر فرشی - یا به عبارت بهتر - هر سبک فرشی را باید در سطح خودش مورد سنجش و مطالعه قرار داد حتی می‌توان گفت مقایسه مطلق باید با مقایسه و تطبیق نسبی معاوضه بشود منظور از این فکر یعنی فرش ایل افشار را باید با سایر فرشهای ایل افشار مقایسه و بررسی